

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### دعای چهل و نهم

#### دعای آن حضرت در دفع کید و مکر دشمنان

بار الها تو مرا هدایت فرمودی پس به لهُو و لعب پرداختم و پندم دادی ولی من از سخت دلی پندت را نپذیرفتم و با عطای جمیل نیکی کردی و من نافرمانی کردم آنگاه آنچه را که از آنم برگرداندی شناختم و با شناساندن آمرزش خواستم و از من درگذشتی سپس به گناه بازگشتم ولی پرده پوشی کردی پس تو را ای خدای مهربان ستایش می کنم، منم که خویش را سخت در وادی هلاکتها درافکندم و در پرتگاه تلف و نابودی درافتادم و خود را در معرض قهر و سطوت و عقوبات و انتقامت درآوردم و باز ای خدای من وسیله ام به سوی تو ایمان و اعتقاد به توحید است و دستاویزم آن است که چیزی را با تو شریک نساختم و با تو احدی را به خدایی نگرفتم و از همه ی معاصی به سوی تو فرار کردم که تویی ملجأ گناهکاران و پناه آنکه در معرض فنا و تباهی حظ و بهره ی نفس خود درآید و پناهنده شود پس چه بسیار دشمنی که شمشیر عداوتش بر من برهنه کرده و دم تیغش را برایم تیز نموده و سرنیزه اش را به قصد من تند ساخته و زهرهای جانکاهش را برای قتل آماده ساخته و مرا آماج تیرهای خود قرار داده و چشم مراقبش از من نخفته و تصمیم گرفت که گزندى به من رساند و شربت ناگوار مرگ را به من بچشاند ولی تو ای خدای من ناتوانیم را از تحمل رنجهای گران و عجزم را از انتقام کشیدن از آنکه در جنگ خود آهنگ من کرده و تنهایی ام را در برابر بسیاری از آنچه او در کار هلاک من می اندیشد و در کمین من بود مشاهده کردی و دیدی که فکر و تدبیر من مقابل آنها به جایی نمی رسد پس تو به یاریم آغاز نمودی و پشتم را با نیرویت محکم ساختی آنگاه حدت او را شکستی و پس از آن که در گروهی انبوه بود او را تنها گذاردی و مرا بر او پیروز گرداندی و تیری را که بر کمان نهاده بود به سوی خودش بازگرداندی و از شدت کینه و فرط پشیمانی سرانگشتان خود را به دندان گزید و رخ برتافت درحالی که سپاهیانش از هم پاشیدند و ای خدا چه بسیار ستمگر که در پی آزار من مکرها اندیشید و

دام‌های شکارش را برایم گسترده و همچون درنده‌ای که به انتظار شکارش کمین کند در کمین من نشسته درحالی که خوش‌رویی و چاپلوسی را برایم اظهار می‌کند و در دل کینه‌ام را دارد و چون تو ای خدای من که والا و برتری فساد باطن و زشتی اندیشه‌اش را دیدی او را با مغز در آن گودال که برای شکار کنده بود سرنگون ساختی و در پرتگاه حفره‌اش افکندی تا پس از سرکشی در بند دامی که می‌پنداشت که مرا در آن ببیند درافتاد و اگر رحمت تو شامل حال من نمی‌شد آن رنج و بلا که به او رسید بر سر من وارد می‌شد.

و باز ای خدای من چه بسیار آنچه بر سر او آمد نزدیک بود که بر سر من بیاید و چه بسا حسود و بدخواه که غصه گلوگیرش شد و شدت خشم و غضبش بر من به هیجان می‌آمد و با نیش زبان مرا آزد و به عیب‌ها که خود داشت بر من طعنه زد و آبرویم را آماج بدگویی و زخم زبان و هدف تهمت‌هایش قرار داد و عیب‌هایی که پیوسته در خود او بود به گردن من انداخت و از روی خدعه و نیرنگ بر من خرده گرفت آنگاه من تو را خواندم و از تو فریادرسی خواستم و به سرعت اجابت اطمینان داشتم و می‌دانستم که هر کسی در سایه‌ی حمایت درآید هرگز مغلوب نخواهد شد و هر کس به پناهگاه مددکاری تو ملتجی شد نمی‌هراسد و تو مرا به نیروی خویش از شر او محفوظ داشتی.

و باز ای خدای من چه بسیار ابرهای گرفتاری که از من برطرف نمودی و از آسمان نعمت باران رحمت بر من نازل کردی و در جویبار کرمت آب رحمت روان ساختی و لباس عافیت که بر من پوشاندی و پشم‌های حوادث که کور نمودی و پرده‌های غم که آن‌ها را برطرف ساختی و چه بسیار حسن ظنی که آن را تحقق بخشیدی و تهی‌دستی که جبران نمودی و درافتادنی که نشاط بخشیدی و بیچارگی که از بین بردی تمام این‌ها از روی تفضل و کرم و انعامت بوده و حال آنکه من در معصیت غوطه‌ور بودم ولی بدکرداری من تو را از اتمام احسانت باز نداشت و مرا از ارتکاب موجبات خشمت منع نکردی.

ای خدای من کسی که در کرده‌ی تو حق سؤال و مواخذه نیست و همانا هر چه بندگان از تو درخواست کنند عطا کنی و اگر درخواست نکنند بخشش را آغاز کنی و چون فضل تو طلبیده شود اندک ندهی ای مولای من ابا داری جز اینکه در حق بندگان احسان و اکرام و فضل و انعام نمایی و من هم ابا دارم جز آنکه هتک احترام اوامرت کنم و تجری و بی‌باکی در معصیت و تعدی و تجاوز از حدود فرمانت روا دارم و از وعده‌های قهر و عذابت تغافل نمایم پس ستایش تو راست ای خدای من تو آن مقتدری هستی که مغلوب نشوی و آن بردباری و مهلت دهنده‌ای هستی که شتاب نمی‌کند این است مقام کسی که به فراوانی نعمت‌هایت اعتراف و آن را به تقصیر مقابله نموده و درباره‌ی خود ظلم کرده.

بار الها به وسیله‌ی مقام رفیع محمدی و ولایت درخشان علوی به تو تقرب می‌جویم و به واسطه‌ی آن دو بزرگوار به درگاه تو روی آورده‌ام که مرا از شر این و آن پناه دهی که این پناه دادن بر تو آسان است و کاری مشکل در جنب قدرت کامل و گران در برابر توانایی بی‌حد و پایان حضرتت نخواهد بود و تو بر هر چیز توانایی پس از رحمت نامنتهایت و توفیق بخشی پاینده‌ات بهره‌ای به من بخش که آن وسیله‌ی عروج من به مقام رضا و خشنودی تو گردد و مرا از عقوبت ایمن سازد ای مهربان‌ترین مهربانان عالم.

**اللهم عجل لولیک الفرج**